

\* پدر و مادر باید افرادی ساخته و پرورده باشند. مدیریت و تسلط بر نفس داشته باشند و بتوانند خود را اداره کنند.

## انضباط

\* اجرای برنامه‌های انضباطی بدون گذشت امکان پذیر نیست.

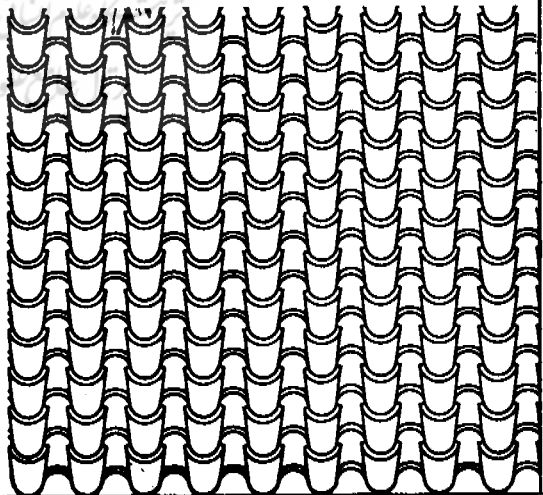
آنچه مهم است این است که والدین فرزندان خود را ترغیب به رعایت انضباط کنند و از کارهای ناروا او را باز دارند.

### نقش تذکر و اخطار

این خطاست که از فرزندان خود توقع این امر را داشته باشیم که آنان دستورات و امر و نهی های والدین را مو بمو مورد توجه قرار داده و رعایت کنند زیرا محیط خانه با محیط سرباز خانه فرق دارد و کودکان ما از روی میل و اراده چنان محیطی را انتخاب نکرده‌اند.

از سوی دیگر زندگی در محیط خانه یک زندگی موظف نیست که فرد ناگزیر باشد به مانند محیط سربازخانه در آن به انجام وظایف بپردازد و مزه خشکی و انعطاف ناپذیری قانون را بچشد. او در سایه پدر و مادر

علی ایبسی



باید مهر و قهر را تواما" ببیند . اگر در جایی خشونت است در جای دیگر بار مهر و عطوفت باشد .

بدیهی است که با این صورت گاهی لغزش ها و بی اعتنائی‌هایی از بچه سرخواهدزد ، در آنصورت بیش از هرچیز باید با ملایمت و نرمش او را سر راه آورد و درصورت تکرار مسئله تذکر باید مطرح گردد . اینکه سخن از تذکر بمیان می‌آوریم بدان خاطر است که جدا" گاهی کودک فراموش میکند که باید فلان جنبه را مراعات نماید .

درصورتیکه تذکرات مکرر گردد و کودک رعایت آن را نکند ضروری است اخطارهایی به او بشود . به او توجه دهیم که دارد مسیر خطائی را طی می‌کند و سرانجامش خوب نیست . ممکن است عواقب آموزش به تنبیه منجر گردد یابه از دست دادن محبت و ضمانت پدر و مادر .

---

#### انضباط و خیرخواهی :

---

آنچه که تذکرش مفیداست این است والدین فراموش نکنند که پدر و مادرند . وظیفه آنها هدایت فرزندان و گرفتن دست آنها و رساندن ایشان بسوی هدف موردنظر است . وصول به چنین مقصدی آسان نیست . پدر و مادر باید افرادی ساخته و پرورده باشند . مدیریت و تسلط برنفس داشته

باشند و بتوانند خود را اداره کنند .

والدین نباید خیرخواهی خود را از فرزندان دریغ بدارند . هرچند که آنها خطا کار باشند و هرچند که نافرمانی داشته باشند بالاخره از خود و از صلب و رحم‌ها هستند . ضروری است به حیات کنونی آنان به سعادت آنها در زندگی آینده توجه کنیم . جدا" بر آنها دل بسوزانیم و از اینکه بدشواری خود را با خواسته‌های ما تطابق میدهند باید متأسف باشیم . اجرای برنامه‌های انضباطی بدون گذشت امکان پذیر نیست . چه ایرادی دارد در مواردی خطای او را نادیده بگیریم و یا خود را در وضع و موقعیتی قراردهیم که او حساب کند ما از خطای او سردر نیاورده‌ایم ؟ اصولا" این درست نیست که روی کودک زیاد به پدر و مادرش باز شود ضروری است همیشه‌حجابی فیما بین باشد و ملاحظاتی وجود داشته باشد . البته این امر بقیمت جری تر شدن فرزندان ما روا نیست و نمی‌خواهیم که او درس بدی از آن بگیرد و یا از گذشت ما سوءاستفاده کند .

درگذشت از خطاها تکیه‌به‌مبتدیان داریم . هم‌چنین در مواردی که طفل با مصیبتی مواجه است ، دچار غم و رنج و دردی است این امر برای او ضروری تراست . بدیهی است والدین صادق و پاکباز ، هرآنگاه که در امری مصلحت گذشت را ببینند در آن

اقدام خواهند کرد و درهمه حال سعی  
براین است که در این مجرا عقده‌های برای  
کودک پدید نیاید و اصل براین باشد که  
بدانیم با دلسوزی نسبت به فرزندان بهتر  
میتوان پیش رفت .

### در صورت تخلف :

در صورتی که کودک از تن در دادن به  
انضباط تخلف کند، قواعد و حدود نظم و  
انضباط را بشکند، دست از تبهکاری  
خراب کردن و شرارت بر ندارد چه باید  
کرد؟

قبلاً باید این نکته را به استحضار  
برسانیم که ما از لحاظ علمی به این نکته  
رسیده‌ایم که جانی بالقطره و یا فردی  
که ذاتاً بدجنس و بدذات باشد وجود  
ندارد و ما به چنین افرادی دست  
نیافتیم گو اینکه از نظر اسلامی این  
امر برای ماقطعی بود. دیدگاه اسلامی ما  
این است که خداوند فردی را جانی  
نمی آفریند، ذاتاً و فطرتاً خبیث  
خلق نمی‌کند. اگر چنین فردی را دیدیم  
باید بپذیریم که در سایه تربیت و محیط  
چنین شده‌است .

کودکی که از دستور تخلف میکند بحقیقت  
بامابه مبارزه بر میخیزد و میخواهد در  
برابر ما مقاومتی نشان دهد تا بفهماند  
که کسی است و نمی‌شود در برابر او

ایستاد. این امر خود ناشی از روش‌های  
سوء تربیت، عقده‌ها، گرفتاری‌ها، میل به  
انتقام‌گیری هاست. در برابر متخلف باید  
با توجه و دقت بسیار عمل کرد. حوصله  
بخرج داد. ولی ضروری است در برابرش  
بایستند و جدا" در اجرای انضباط  
پافشاری کنند. اما موضعگیری‌های مری  
در برابر متخلفان ممکن است بصورت زیر  
باشد .

— هدایت فرزندان به راه راست .

— تحسین و تشویق و شخصیت دادن  
ایجاد باب ملاحظات از گذشته و استفاده از  
این موارد در مواقع ضروری .

— محروم کردن از بازی ، تفریح ، استراحت  
کردش، مهمانی و از محبت بصورت  
موقت و . . . .

— تنبیه بدنی و زدن به کتل آنها برای  
هشدار دادن به او که روش نادرستی را در  
پیش گرفته‌است .

آری در جنبه‌های انضباطی ، گاهی از  
تنبیه استفاده میکنیم که البته کاری دشوار  
است و باید با احتیاط و نزاکت صورت گیرد  
بر اساس ضابطه‌های باشد، متناسب باخطا  
باشد، کودک بتواند آن را تحمل کند  
عادلانه باشد، حساب های گذشته دیگر  
با آن مخلوط نشود. والدین در این امر

باید آرامش خود را حفظ کنند ، با حساب اقدام به تنبیه کنند که مثلا " صدمه‌ای بر طفل وارد نشود ، ضربه بر سر و چشم و اعضای حساس نخورد ، خدای ناخواسته نقص عضو ایجاد نکند . بعلاوه تنبیه باید مؤثر باشد و جدا " کودک را از ادامه رفتار ناپسند باز دارد و صواب و ناصواب را برای او مشخص نماید .

### انضباط و زور:

کار مربی در رابطه با کودک کار اعمال زور و کشمکش نیست . البته این مسئله بدیهی است که پدری یا مادری میتوانند از راه زور فرزندان خود را اداره کنند و او را تسلیم و مطیع محض بار آورند . اما باید دید این امر بنفع کودک و شوئن حیاتی حال و آینده او هست یا نه؟

بررسیهای روانشناسان نشان میدهد که اعمال این روش خطاست . اگر هم روش ما به نتیجه برسد فرزند ما دیگر دارای شخصیت انسانی و آزادی و حریت نیست . حیوانی است چشم و گوش بسته ، تخدیر شده کورو کرو نادان . همه استعدادها پیش خفه شده است . همه اعلام موجودیت های او سرکوب گردیده است .

تحقیقات آنهائیکه در این زمینه به بررسی پرداخته‌اند نشان میدهد که ایجاد انضباط از راه زور این آثار را در پی دارد . مقاومت

بی‌اعتنائی ، یاغیگری و عصیان ، منفی بافی شورش ، بدخطی ، دروغگوئی ، فریب دادن ، تسلیم ، تملق‌گوئی ، چرب زبانی لجبازی کناره‌گیری و انزوا ، فرار ، نفرت از زندگی و ...

آنچه مهم‌است این است که والدین فرزندان خود را ترغیب به رعایت انضباط کنند و از کارهای نا روا او را باز دارند . ما اطمینان داریم که اگر مستدل و روشن منطقی و صریح با کودک برخورد بعمل آید او موضع حق را می‌پذیرد و تسلیم ضوابط و نظرات والدین خواهد شد اگر چه در این امر زیان ببیند .

موضوع دیگری که باید مورد توجه باشد این است که گاهی کودکان متناسب عقل و درک کودکانه خود در برابر امر و نهی‌های والدین موضع گرفته و ایستادگی میکنند و یا با دستهای کوچک خود مادر و پدر را میزنند . اولاً " باید بگوئیم ضروری است که مقاومت او در موارد ضرور درهم شکسته شود و ثانیاً " طفل حق زدن والدین را نداشته باشد اگر چه کتکش درد آور نیست . ضربه‌های ملیح امروزی کودک بر پیکر پدر و مادر بعدها ممکن است صورت عادت بخود گیرد که در آنصورت عواقبش ناگوار خواهد بود .

